برترین روزنامه‌ها

«واکنش سریع» راهبرد جدید مقاومت

روزنامه کیهان در یادداشت دیروز خود به اقدام تاریخی و شجاعانه اخیر نیروی دریایی سپاه در دریای عمان پرداخته و نوشته است: این اقدام مصداق همان جمله‌ای است که فرمانده کل سپاه چندی پیش از آن خبر داده بود و آن اینکه «ما به مرحله واکنش سریع رسیده‌ایم»! سردار سلامی کمتر از یک ماه قبل، ۲۳ مهر در بازدید از یگان‌های نیروی دریایی سپاه مستقر در خلیج‌فارس و تنگه راهبردی هرمز، گویی که دست امریکایی‌ها را خوانده و پیش‌بینی چنین حماقت‌هایی از سوی آنها را کرده بود. او هشدار داد: «نیروی دریایی ما از این پس قادر است در مواجهه با هر تهدیدی و در هر مقیاسی و در هر نقطه‌ای «واکنش سریع و قاطعانه» نشان دهد و قدرت تعقیب دشمن در اعماق طولانی‌تری را به رخ بکشاند». شاید این اولین واکنش سریع فرزندان ملت ایران بعد از آن هشدار به امریکایی‌ها بود که متأسفانه در آن زمان نتوانستند به خوبی درک و تجزیه و تحلیلش کنند و لذا نیروی دریایی سپاه در عمل نشان داد که این فقط یک شعار برای تبلیغات رسانه‌ای نبود.

نویسنده تحلیل کرده که این اقدام در حقیقت واکنش سریعی به سناریوی «اسرائیل‌هراسی» بایدن و رجزخوانی‌های ابلهانه سگ او، نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی هم بود که به آنها فهماند قبل از آنکه شما بخواهید ادعا و فضاسازی کنید که «گزینه نظامی روی میز دیپلماسی!» است، «گزینه نظامی ملت ایران در میدان» شما را به عقب می‌راند و پشیمانتان می‌کند! لذا تصمیم‌گیران نظامی آنها از جمله رئیس‌سابق اطلاعات ارتش صهیونیستی این نکته را به خوبی فهمیده‌اند و اذعان می‌کنند که «مشکل حمله نیست، بلکه ملاحظات زیادی در این خصوص وجود دارد و مسئله مهم این است که بعد از آنچه اتفاقی خواهد افتاد؟!». تحلیلگران و رسانه‌های منطقه به خصوص تحلیلگران نظامی خود صهیونیست‌ها هم با بیان اینکه «بین فهم و پیش‌بینی‌های اسرائیلی‌ها با واقعیت فاصله بسیاری وجود دارد»، برای رژیم‌صهیونیستی مرثیه‌سرایی می‌کنند که «در صورت هرگونه درگیری، اسرائیل روزهای بسیار سخت‌تر از آنچه که تاکنون تجربه کرده‌اند، تجربه خواهد کرد که شاید آخرین تجربه آنها باشد!»؛ بنابراین اکنون قابل درک است که چرا واشنگتن در مقابل اقتدار نیروی دریایی سپاه، با پذیرش شکست، سکوت در پیش گرفت؟!

حلقه مفقوده مقابله با فساد

روزنامه آرمان در یادداشت دیروز خود از نظارت به عنوان حلقه مفقوده مبارزه با فساد یاد کرد و نوشت: نظارت دقیق می‌تواند تأثیر زیادی در زدودن فساد داشته باشد، بدین منظور هر دستگاهی باید زیر نظر نهادی ناظر فعالیت کند تا از این طریق زمینه سوءاستفاده و فرصت‌طلبی اخلالگران محدود شود. نویسنده اضافه کرده است: مقابله با رابطه‌گرایی هم می‌تواند فساد را از میان بردارد و موجب تسهیل در پیشرفت و توسعه شود. متأسفانه در سیستم مدیریتی بارها شاهدیم که افراد با رابطه، به سمت‌های مهم می‌رسند و در نتیجه گزینش‌های نابجا هم احتمال تخلف‌های مالی زیاد می‌شود. از سویی به‌دلیل نگاه غیرکارشناسی به مسائل، برنامه‌هایی برای مدیریت اوضاع در نظر گرفته می‌شود که با واقعیت‌های آن حوزه همخوانی ندارد. برای اعتلای امور باید افرادی را مأمور به انجام امور کرد که شناخت کافی از حوزه کاری داشته باشند و از این طریق فضا برای کاهش مشکلات و در نتیجه افزایش رضایتمندی عمومی فراهم شود. اصولاً مفسدان اقتصادی زمانی می‌توانند هدف‌های خود را عملی کنند که سیستم مدیریتی همراهی‌شان کنند در غیر این صورت محال است بتوانند برنامه‌های خرابکارانه‌شان را به نتیجه برسانند، از این رو دولت که گام‌های نخست را برمی‌دارد، باید به‌طور جدی و عملی فسادگریزی را برای خود وظیفه‌ای حیاتی تصور کند تا از این طریق بتواند بستر لازم را برای مقابله با فساد فراهم کند. در این راستا باید در کنار انتخاب درست و نظارت دقیق، همکاری لازم با قوه قضائیه انجام شود تا سوءاستفاده‌گران احساس کنند که مانع‌هایی متعدد پیش روی‌شان قرار دارد. کشور در وضعیتی کاملاً پیچیده و پر از مشکلات بوده و به همین دلیل رئیس‌جمهوری درباره لزوم مقابله با فساد هشدار داده است. پس باید ارگان‌های دیگر هم در کنار قوه‌مجریه همه همت‌شان را به کار گیرند تا به روزی برسیم که سوءاستفاده به کمترین تعداد برسند.

اصلاح‌طلبان نگران برجام!

روزنامه اعتماد تیتر دیروز خود را به بیانیه «شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان» درباره سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای اختصاص داد و ضمن انتقاد از بی‌عملی و بلاتکلیفی این شورا طی دو سال گذشته نوشت: «جبهه اصلاحات ایران» که پس از چند سال فراز و فرود «شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان» و یکی، دو سال بلاتکلیفی این نهاد، در آستانه همین انتخابات خردادماه اخیر و به عنوان نهادی جهت برنامه‌ریزی انتخاباتی در اردوگاه اصلاح‌طلبان و همچنین بازسازی گفتمانی این جریان سیاسی در دوران پس از انتخابات تأسیس و تشکیل شد، طی این چهار، پنج ماهی که از روز سرنوشت انتخابات ۱۴۰۰ می‌گذرد، اگرچه چندان پرکار یا به بیان دقیق‌تر پر سر و صدا نبوده، دیروز اقدام به انتشار بیانیه‌ای کرد تا از این حیث هم جبران مافات کرده باشد؛ بیانیه‌ای با موضوع سیاست خارجی، با محوریت «دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی» و البته با لحن و موضعی انتقادی.

به نوشته اعتماد این نهاد بالادستی در جناح چپ (شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان) با اشاره به «روی کار آمدن دولت جدید و نیل حاکمیت به قدرت یکپارچه»، از امید به این مهم گفته که «دستگاه دیپلماسی برای جلب اعتماد و رضایت عمومی هم که شده، به تلاش‌های جدی در زمینه رفع تحریم‌های خانمانسوز بین‌المللی علیه ملت ایران بپردازد» اما تأکید کرده که «با کمال تأسف، چنین رویکردی در حاکمیت ملاحظه نمی‌شود.» این بیانیه با اشاره به آنچه «مشکلات طاقت‌فرسای اقتصادی و معیشتی» خوانده، تأکید کرده است: «هرگونه درنگ در بازگشت به برجام، جز خسارت برای کشور و ملت به بار نخواهد آورد، لذا جبهه اصلاحات ایران، ضمن ابراز نگرانی جدی نسبت به روند سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای، امیدوار است حاکمیت در مذاکرات پیش‌رو مانع تخریب دوباره فرصت‌های پایان دادن به تحریم‌های جهانی علیه ایران شده، اجازه ندهند که بیش از این ملت ایران در مقایسه با توسعه شتابان کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای آسیایی و کشورهای همسایه، احساس یأس و سرخوردگی کند.»

نگاه بیانیه «شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان» به سیاست خارجی کشور که به فرصت‌سوزی در برجام متهم شده، در حالی است که این جریان سیاسی همواره مهارت خاصی در تحریف واقعیت‌های میدانی برجام داشته و طی هشت سال گذشته بزک اقدامات خصمانه امریکا علیه ملت ایران را در دستور کار خود داشته است و اکنون می‌کوشد با بیانیه‌های به ظاهر خردمندانه ردپای خود را در ایجاد شرایط جدید پاک نماید.

گزارش

سعید همتی

غرب‌زده‌ها هنوز از مقابله‌به‌مثل سپاه در دریای عمان ناراحتند

آفت سال‌ها خودحقیرپنداری در برابر غرب

طرح: حسین کشتکار | جوان

در طول سال‌های اخیر هر جایی که نظام در مقابل گستاخی و تهاجم غرب مقابله کرده است، جریانی در داخل کشور اصل ایستادگی و مقاومت نظام را زیر سؤال برده و نسخه مماشات و اغماض در برابر زیاده‌خواهی غرب را تئوریزه کرده و نظام را تحت فشار قرار داده است که برای تأمین معیشت مردم! باید در برابر هر گونه تجاوز و تهدیدی اعم از سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی رو به سمت سکوت و اغماض آورد تا تمامیت ارضی کشور مورد تجاوز احتمالی قرار نگیرد. روزگاری این جریان با تحت فشار قرار دادن حاکمیت در موضوع هسته‌ای ادعا داشت اگر در برابر خواسته‌های غرب و به ویژه امریکایی‌ها نظام سر تعظیم فرود نیاورد، حمله نظامی به ایران قطعی است.

■ **خودحقیرپنداری در برابر غرب**

اصل خودحقیرپنداری تا جایی پیش رفته است که برخورد نیروی دریایی سپاه با نفت‌دزدی امریکا نیز طی روزهای اخیر جریان تجدیدنظرطلب را آشفته کرده است، به طوری که طی روزهای اخیر بسیاری از شخصیت‌ها و رسانه‌های این جریان برخورد فوق را هزینه‌زا و منجر به افزایش تنش‌ها میان ایران و غرب می‌دانند.

به عنوان نمونه روزنامه شرق در مطلبی با تأکید بر اینکه نیازی نبود که خبر «دزدی دریایی امریکا» منتشر شود، نوشت: نخستین خبری که از جزئیات این واقعه از سوی رسانه‌های غیرفارسی‌زبان منتشر شد، حکایت از این داشت که نفتکش موردنظر با پرچم ویتنام در حال تردد بوده است، سپس یک مقام پنتاگون بدون ذکر نام به «نیوزویک» گفت: جزئیات توقیف یک نفتکش... به دلیل برخی حساسیت‌ها از سوی امریکا منتشر نشده است. رسانه‌های رسمی ایران با نادیده‌گرفتن این خبر به جشن پیروزی بر «دزدان دریایی» ادامه دادند و اقدام به انتشار فیلم و عکس از حادثه کردند.»

این روزنامه در ادامه این مطلب می‌نویسد: «اواخر روز چهارشنبه سخنگوی پنتاگون، «جان کربی» به شکل رسمی درباره این موضوع سخن گفت. به گزارش «رویترز» مورخ سوم نوامبر، ۱۲آبان، این مقام رسمی پنتاگون گفت: «ادعاهای ایران را دیده‌ام. این ادعا از اساس و مطلقاً دروغ است و حقیقت ندارد... این اظهارات مضحک است و تنها ربایشی که صورت گرفته به دست ایران بوده است»... اینکه چرا مقام‌های رسمی ایران خبری چنین مهم را بدون آنکه نیازی احساس بشود، با این سطح از دقت و با قابلیت ایجاد ابهام از سوی دشمن منتشر می‌کنند، جای سؤال جدی دارد.»

روحیه خودحقیرپنداری در برابر امریکا حتی هنگامی که مذاکرات هسته‌ای میان ایران و ۱+۵ در جریان بود نیز مشهود بود، آنجایی که در آستانه امضای برجام، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل تجاوز نیروهای دریایی امریکا به آب‌های سرزمینی ایران چند تن از ملوانان امریکایی را دستگیر کرد و وزارت خارجه وقت با توجیه این مسئله که عدم‌آزادی نیروهای نظامی امریکایی اصل مذاکرات را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند با عملیات روانی رسانه‌ای جریان تجدیدنظرطلب، حاکمیت را تحت فشار قرار داد تا نیروهای امریکایی آزاد شوند، آن زمان نیز همین جریان تلاش داشت، در صورت تأخیر در آزادی ملوانان امریکایی، نظام و به صورت مشخص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را عامل عدم‌موفقیت برجام به جامعه معرفی کند. خط کنونی که طی روزهای اخیر توسط این جریان تحت عنوان درگیری نیروی دریایی سپاه با ناو امریکایی دنبال می‌شود، ادامه روندی است که بارها توسط این جریان اتخاذ شده است.

■ **اصلاح‌طلبان اهل مماشات با غرب هستند**

در همین باره سیدعلی یزدی‌خواه در واکنش به اظهارات برخی اصلاح‌طلبان مبنی بر اینکه پس از توقیف نفتکش متخلف در دریای عمان، نیروهای سپاه به جای درگیری با دزدان دریایی امریکایی، باید از طریق مذاکره این مشکل را حل می‌کرد، اظهار داشت: اصلاح‌طلبان اهل عمل نیستند و همواره به دنبال آن هستند که با گفتار درمانی کشور را اداره کنند.

این نماینده مجلس هزینه‌های دولت هشت ساله تجدیدنظرطلب را در جهت تنش‌زدایی در عرصه بین‌المللی مورد یادآوری قرار می‌دهد و می‌گوید: در دولت سابق هشت سال مذاکره کردیم که نتیجه برجام و مذاکرات برای همه مردم روشن و شفاف است و عایدی برای ما نداشت. اگر ما قدرت میدان را نداشته باشیم، قطعاً سر میز مذاکره هم قدرت چانه‌زنی نخواهیم داشت. در واقع اگر دست دیپلمات‌های کشورمان پر نباشد و از موضع قدرت سر میز مذاکره ننشینند، در مذاکرات هیچ چیزی عاید کشورمان نخواهد شد. وی تصریح کرد: اصلاح‌طلبان ثابت کردند که اهل مماشات با غربی‌ها هستند و اگر اقدام برای دزدی نفت ایران از سوی کشورهایی چون ژاپن و چین اتفاق می‌افتاد، قطعاً به گونه دیگری رفتار می‌کردند و واکنش دیگری نشان می‌دادند. قابل انکار نیست که هیمنه امریکا روز به روز بیشتر فرو می‌ریزد. امریکا در خلیج فارس ۴۰هزار نیروی مسلح و تعداد زیادی تفنگدار دریایی دارد، در هفت کشور حاشیه خلیج‌فارس پایگاه نظامی دارد اما با وجود این، سپاهیان سلحشور ایران در مقابل آنان ایستادند و اجازه ندادند به حقوق ملت ایران تجاوز شود.

یزدی‌خواه با بیان اینکه عجیب است که اصلاح‌طلبان توقع دارند با این راهزنان برخورد نکنیم، گفت: ملت‌هایی که به دشمنان اجازه تجاوز و سرقت می‌دهند و در مقابل آنان ایستادگی نمی‌کنند، با دست خودشان باعث ذلت کشورشان می‌شوند. اصلاح‌طلبان از روی استیصال این حرف‌ها را مطرح می‌کنند چراکه می‌بینند در مقابل قدرت‌نمایی فرزندان این ملت حرفی برای گفتن ندارند و به همین دلیل اصل این کار را انکار می‌کنند و می‌گویند که ما نباید با آنان درگیر می‌شدیم و باید مذاکره می‌کردیم.

وی بیان کرد: اصلاح‌طلبان می‌گویند که ما در مقابل تجاوز غربی‌ها و امریکا نباید هیچ اقدامی کنیم و باید در مقابل عمل انجام شده، قرار بگیریم و سپس بنشینیم و مذاکره کنیم. این منطق غرب‌گرایان داخلی از نظر ما مردود است. ما یقه متجاوزان را می‌گیریم، دست آنان را قطع می‌کنیم و سپس پای میز مذاکره می‌نشینیم تا دیگر چنین غلطی نکنند و به دنبال دزدی از ایران نباشند.

■ **فقط عوامل امریکا در داخل کشور از مقابله ایران با دزدان دریایی ناراحتند**

حجت‌الاسلام محمد سبزی، نماینده مردم ساوه نیز گفت: این افراد عوامل امریکا در داخل کشور هستند و طبیعی است که هر اقدامی علیه امریکا صورت گیرد، این افراد را نیز ناراحت می‌کند. پاسخ مقتدرانه نیروی دریایی سپاه به دزدی دریایی امریکا، پاسخ محکمی به این کشور بود و از سوی دیگر باعث شد در آستانه مذاکرات طرف‌های غربی بدانند با یک ایران مقتدر و توانمند پای میز مذاکره می‌نشینند.

وی گفت: پس از جنگ جهانی دوم هیچ کشوری جرئت هدف قرار دادن پایگاه‌های نظامی امریکا را نداشت و ما اولین کشوری بودیم که پس از ۷۵ سال پایگاه امریکا (عین‌الاسد) را موشکباران کردیم و در عرصه دریایی نیز نیروی دریایی سپاه جلوی دزدی دریایی این کشور ایستاد و به مقابله با نیروی دریایی امریکا پرداخت.

■ **هزینه‌های خودحقیرپنداری**

در حالی همواره جریان مورد اشاره تلاش داشته است به جامعه القا کند که مقاومت در برابر غرب به ویژه در عرصه امنیتی و نظامی می‌تواند منجر به حمله نظامی به کشور شود که در تمام این مدت رهبر معظم انقلاب از لزوم تزریق روحیه خودباوری ملی در برابر غرب سخن به میان آورده‌اند چراکه احساس عجز و ناتوانی در برابر تهدیدات و گستاخی غرب نه تنها امنیت ملی را دچار خدشه خواهد کرد بلکه می‌تواند منجر به آن شود که کشور در مسیر پیشرفت و توسعه نیز قرار نگیرد. رهبر معظم انقلاب طی سال‌های اخیر بارها از لزوم «توسعه درون‌زا» بر پایه «ترمیم روحیه خودباوری ملی» سخن به میان آورده‌اند از جمله اینکه می‌فرمایند: «همه ابزارهای فرهنگی و تبلیغی در طول ۱۰۰ سال یا بیشتر به کار گرفته شد تا این ملت را به خودشان بدبین کنند. یکی از شخصیت‌های سرشناس معروف می‌گفت: ایرانی، یک لولهنگ نمی‌تواند بسازد! - لولهنگ یعنی آفتابه گِلی... این جور این ملت را تحقیر می‌کردند.»

---

۳ دلیلی که بایدن را ملزم به بازگشت به برجام کرد

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با اسپوتنیک سه دلیل تصمیم رئیس‌جمهور امریکا برای بازگشت به توافق هسته‌ای را برشمرد.

به گزارش ایسنا، وحید جلال‌زاده، رئیس کمیسیون امنیت ملی و روابط خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری اسپوتنیک گفت: قرارداد ۲۵ساله همکاری میان تهران و پکن روی تصمیم جو بایدن رئیس‌جمهور امریکا برای بازگشت به توافق هسته‌ای تأثیر داشته است. جلال‌زاده در این باره گفت: ما مطمئن هستیم بایدن به سه دلیل تصمیم گرفت به مذاکرات برجامی بازگردد؛ اولی به نتیجه رسیدن توافق استراتژیک میان ایران و چین به مدت ۲۵ سال، دومی شکست تحریم‌های امریکا علیه ایران و سومی مصوبه مجلس درباره لغو تحریم‌هاست. مجلس شورای اسلامی در پی خلف وعده‌های مکرر طرف‌های اروپایی برجام، قانونی را تصویب کرد که در راستای خنثی‌سازی تحریم‌های امریکا، دولت را ملزم به محدود کردن دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات اتمی ایران و افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم می‌کند.

شبکه یونیک فاینانس چگونه کلاهبرداری می‌کرد

با اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی سربازان گمنام امام زمان(عج) بیش از ۱۵۰ نفر از سرشبکه‌ها و سرکرده‌های اصلی شرکت هرمی یونیک فاینانس (finance unique) در ۱۹استان کشور شناسایی شدند و مورد ضرب قرار گرفتند.

به گزارش ایسنا، در اطلاعیه وزارت اطلاعات که در این خصوص منتشر شده، آمده است: مؤسسین و مدیران این شرکت که از ایرانیان مقیم در کشورهای همسایه می‌باشند، با معرفی واهی این مجموعه به عنوان یک شرکت بین‌المللی و فعال در خرید و فروش سهام شرکت‌های معتبر در بورس‌های خارجی، با استفاده از روش‌های اغواگرایانه و ادعای پرداخت سودهای نامتعارف و دلاری، اقدام به شبکه‌سازی هرمی، ارائه توکن دیجیتال به نام UNQT و کلاهبرداری از تعداد زیادی از شهروندان در سراسر کشور نموده‌اند. با اقدامات صورت گرفته، ضمن جلوگیری از خروج حجم بالایی ارز از کشور، سایر اعضای فعال این شبکه هرمی تحت رصد اطلاعاتی قرار گرفته و پرونده قضایی مؤسسین و گردانندگان این شرکت هرمی، در دادگاه‌های ویژه رسیدگی به اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، در دست رسیدگی و صدور حکم می‌باشد.

تعارض منافع در درون دولت و علیه دولت وجود دارد

تعارض منافع در درون دولت و علیه دولت وجود دارد و همه سود برخی شرکت‌های دولتی به خزانه عمومی واریز نمی‌شود.

محمدکاظم انبارلویی در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه طرح مدیریت تعارض منافع فوق‌العاده مهم بوده و نقش مهمی در ثبات اقتصادی کشور دارد، اظهار کرد: گاهی تعارض منافع میان یک شرکت خصوصی با دولت است و گاهی تعارض منافع در خود دولت است. در اینجا منظور از دولت، درآمد عمومی و خزانه کل کشور است. تعارض منافع در دولت منجر به کاهش درآمد عمومی دولت و کسری بودجه می‌شود و همین کسری بودجه آسیب‌های زیادی برای حکمرانی دارد. وی ادامه داد: ما اقتصاد دولتی داریم، اما برخی شرکت‌های دولتی درآمد خود را به خزانه واریز نمی‌کنند و به همین دلیل دولت کسری بودجه می‌آورد و مجبور می‌شود یا اوراق قرضه منتشر کند یا اسکناس بدون پشتوانه و این اقدام هم به کاهش ارزش پول ملی می‌انجامد. این مسیر در ۴۰سال گذشته طی شده و هر سال با انتشار اوراق قرضه یا اسکناس بدون پشتوانه، تورم و گرانی افزایش یافته است.

نکته

عزت شاهی مبارز و زندانی پیش از انقلاب:

سران منافقین که از نهضت آزادی بودند، از اول حالت نفاق داشتند

برخی از دوستان ما که می‌خواهند حفظ آبرو کنند، تمام انحرافات و اشکالات مجاهدین را گردن مسعود رجوی انداختند، در صورتی که این‌گونه نیست و اینها و سرانشان که از نهضت آزادی بودند از روز اول یک حالت نفاق و دوگانه‌ای داشتند و مبارزه‌شان مذهبی صرف نبود. در تمام نوشته‌های اینها چیزی نمی‌توانید پیدا کنید که نوع حکومت مطلوبشان چیست.

عزت شاهی، مبارز و زندانی سیاسی قبل از انقلاب در گفت‌وگویی با روزنامه شرق، پیرامون ارکان سازمان مجاهدین خلق که بعدها به منافقین مشهور شدند، صحبت‌های قابل تأملی را مطرح کرده است.

او در این گفت‌وگو که با موضوع آزادی زندانیان سیاسی در آبان ۵۷ انجام شده، در پاسخ به این سؤال که «واقعه تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۴ چه تأثیری بر جو زندان‌ها گذاشته بود؟» توضیح می‌دهد: قضیه تغییر ایدئولوژی بحث مفصلی دارد. متأسفانه برخی دوستان ما که می‌خواهند حفظ آبرو کنند، تمام انحرافات و اشکالات مجاهدین را گردن مسعود رجوی انداختند، در صورتی که این‌گونه نیست و ایدئولوژی اینها و سرانشان که از نهضت آزادی بودند، از روز اول یک حالت نفاق و دوگانه‌ای داشتند و مبارزه‌شان مذهبی صرف نبود و مثل فدایی‌ها مبارزه اقتصادی و امپریالیسم مد نظرشان بود. در تمام نوشته‌های اینها چیزی نمی‌توانید پیدا کنید که نوع حکومت مطلوبشان چیست، بنابراین از اول حکومتی بر مبنای جبهه می‌خواستند که هم مذهبی‌ها، هم مارکسیست‌ها و تفکرات مختلف که مختلف امپریالیسم باشند در آن نقش داشته باشند، حتی برخی بچه‌های مارکسیست را هم عضوگیری کرده بودند و من می‌گفتم شما باید اول اینها را مسلمان کنید بعد عضو شوند که می‌گفتند خیر ما اگر کمونیست‌ها را جذب کنیم، می‌توانیم اینها را بر سر فدایی‌ها بزنیم و بگوییم استراتژی ما این‌قدر پیشرفته است که کمونیست‌ها را مسلمان می‌کند.

عزت شاهی در ادامه می‌افزاید: مجاهدین دستگیری اصلی‌شان مربوط به سال ۵۰ بود و در آنجا هم که هنوز تغییر ایدئولوژی انجام نشده بود، برخی از آنها نماز نمی‌خواندند و عده‌ای از آنها مارکسیست بودند، ادا درمی‌آوردند و در کلاس‌های مذهبی زندان مشارکت نمی‌کردند تا تقی شهرام با حسین عزتی و سروان احمدی از زندان ساری فرار کرد، البته به نظر من ساواک در این قضیه نقش داشت. بعد از فرار هم قهرمان شدند و در رأس مجاهدین قرار گرفتند. بچه‌های مجاهدین آن دوره هم مثل محمد یزدانی و وحید افراخته و... سطح سوادشان از تقی شهرام کمتر بود و با قدرت‌گیری شهرام مسائلی مطرح می‌شود که علت ضربه‌ها ایدئولوژی ماست و نیروهای مجاهدین هم که مطالعات مذهبی زیادی نداشتند، تحت تأثیر شهرام قرار گرفتند و در طول یک سال ۷۰درصد سازمان مارکسیست شد. او در بخش دیگری از این گفت‌وگو در مورد نهضت آزادی می‌گوید: وقتی شاه رفت هم عده‌ای از نهضت آزادی دنبال قدرت‌گیری شورای سلطنت بودند که پس از شاه فرزندش به قدرت برسد و رفتند که امام را راضی کنند که این طرح را بپذیرد اما امام گفت ریشه درخت خبیثه پهلوی از خاک بیرون است و دوباره زیر خاکش نکنید، شاه باید برود!

گزیده خبر

پیام تسلیت آیت‌الله جنتی در پی درگذشت مبارز بوسنیایی

دبیر شورای نگهبان و رئیس مجلس خبرگان رهبری در پیامی درگذشت «حسن چنگیچ» یکی از باسابقه‌ترین مبارزان بوسنیایی و رئیس پیشین مجمع عالی جامعه اسلامی بوسنی و هرزگوین را تسلیت گفت.

در پیام تسلیت آیت‌الله احمد جنتی به «باقر عزت بگوویچ» رئیس حزب اقدام دموکراتیک بوسنی و هرزگوین آمده است: درگذشت برادر مجاهد و مقاوم جناب آقای «حسن چنگیچ» موجب تأسف و تألم اینجانب و دوستان او در محور مقاومت شد. این مسلمان شجاع و وطن‌پرست، عمر خود را در مسیر مبارزه برای میهن و ملت خود وقف کرد و در کنار رهبر فقید مسلمانان بوسنی و هرزگوین، مرحوم علی عزت بگوویچ نقشی مهم در دفاع از مردم و تمامیت ارضی کشور خود ایفا نمود و از سوی امریکای جنایتکار تحت تحریم قرار گرفت.

آیت‌الله احمد جنتی در اوایل دهه ۷۰ نماینده مقام معظم رهبری در امور بالکان بود.

یادداشت

مصطفی غفاری*

یک انحراف در جوان‌گرایی

ساختارهای مدیریتی و اداره یک کشور، همچون پیکره یک موجود زنده، دائم در حال تغییر و تحول و جذب و دفع و تعالی یا پسرفت هستند. دوران رشد و بلوغ دارند و چرخه عمر را طی می‌کنند و درست مانند یک موجود ذی‌حیات، نیاز دائمی به بررسی، مراقبت و نگهداری دارند.

پرواضح است که اگر سیر این تغییر و تحولات و کاهش‌ها و افزایش‌ها به صورت درست و صحیح انجام گیرد، سیستم روز به روز قوت گرفته و بر میزان کارایی و کارآمدی آن افزوده می‌گردد و بالعکس، اگر ورودی و خروجی‌های سیستم و سامانه‌های کنترلی و هشداردهی فاقد شاخص‌های مناسب و استاندارد باشد و به‌طور خلاصه سیستم دارای اختلال باشد، عملکرد سیستم آرام آرام کاهش می‌یابد و کارآمدی و بهره‌وری آن، سیر نزولی به خود خواهد گرفت و سرعت رسیدن به ناحیه افول در منحنی عمر، با شتاب بیشتری طی خواهد شد. این نکته در هر سیستم و ساختاری، بزرگ یا کوچک، مانند یک سنت قطعی و خدشه‌ناپذیر عمل کرده و توجه به آن بر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ضروری است، خصوصاً در ابرساختارهایی مانند نظام اداره و دستگاه دیوان‌سالاری که امورات یک کشور بر عهده آن است، اهمیت آن نیز دوچندان می‌شود.

اما یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین زیرنظام‌هایی که تعیین‌کننده آینده کوتاه‌مدت و بلندمدت یک سیستم خواهد بود و غالباً هم به دلیل ویژگی‌های خاص و پیچیدگی‌های منحصر به فردی که دارد، دچار حاشیه است، زیرنظام جذب به عنوان ورودی اصلی سیستم است، به این معنی که اگر فرآیند مهم جذب، عادلانه، دقیق، مبتنی بر ضوابط و شایسته‌محور باشد، آنگاه می‌توان انتظار داشت آینده سیستم، «احتمالاً» منتج به کارآمدی، پیشرفت، کارکرد صحیح و کارایی خواهد شد اما در غیر این صورت نمی‌توان انتظار زیادی از دستگاه و ساختار و نوع اداره آن داشت. قابل ذکر است اینکه گفته شد با اصلاح زیرنظام جذب، «احتمالاً» در آینده نه چندان دور دستگاه کارکرد مطلوبی خواهد داشت، به این دلیل است که به رغم اهمیت غیرقابل انکار منبع انسانی، اما عوامل متعدد دیگری همچون مدیریت، راهبرد و... نیز در جهت‌دهی حرکت و میزان کارآمدی ساختار اثرگذارند. به هر روی اهمیت نیروی انسانی کارآمد و کارآزموده و توجه و عمل به اصل شایسته‌سالاری بر هیچ‌کس پوشیده نیست اما یکی از شاخص‌های مهم نیروی انسانی کارآمد که توانایی ایجاد تحول در سیستم را دارد، توجه و اجرای جوان‌گرایی است.

این جوانان هستند که می‌توانند تحول را در سیستم ایجاد کنند و منتقد شجاعانه ساختارهای معیوب و مختل باشند. جوانان هستند که سرچشمه جوشان ایده‌ها و افکار خلاقانه هستند. جوانان هستند که می‌توانند مانند موتور محرک و پرتوانی، سیستم را رو به جلو پیش ببرند. این جوانان بودند که در بدو شکل‌گیری و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی نقش بسیار پررنگ و بی‌بدلیل بازی کردند. جوانان بودند که در طول ۴۰سال گذشته، در گردنه‌های خطیری مانند جنگ تحمیلی با آن شرایط حساس و بحرانی، توانستند آن را اداره کرده و تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران و از همه مهم‌تر انقلاب اسلامی را حفظ و حتی صادر کنند. جوانان بودند و هستند که به دلیل ویژگی‌های خاص جوانی مثل عدم‌دلبستگی و دارا بودن جسارت و شجاعت، کار را پیش بردند. در حقیقت تجربه اعتماد به جوانان در انقلاب، جنگ تحمیلی، جهاد سازندگی، دفاع از حرم و نابودی داعش و... پیش روی ماست و همچون چراغ راهی می‌تواند در نقاط گنگ و تاریک هدایتگر ما باشد. اما از آنجا که این مطلب صحیح مستعد به بیراهه رفتن است، لذا نیاز دائمی به مراقبت و آسیب‌شناسی دارد. در واقع نیاز به ارائه تعریف دقیقی وجود دارد که آیا منظور از جوان‌گرایی، صرفاً توجه به سن است؟ یا شاخصه‌های دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند به این شاخص جوان‌گرایی اضافه شده و آن را بلوغ بخشیده و موجب استفاده حداکثری از مزایای آن و حداقل‌سازی آسیب‌های آن شود.

حقیقت این است که باید در فرآیند جوان‌گرایی و انتخاب جوانان، حتماً دو ویژگی مورد توجه قرار گیرد؛ تخصص و تعهد. تخصص باعث می‌شود رشته امور از دست نرود و کارایی بیشینه گردد و نتیجه مورد نظر حاصل شود و تعهد است که باعث خواهد شد اثربخشی تضمین گردیده و سیستم از مسیر اصلی منحرف نشود. مع‌الاسف در برداشت الکنی که از جوان‌گرایی در کشور وجود دارد، این دو نکته کمرنگ بوده و ضوابط، جای خود را با روابط عوض کرده‌اند؛ اصول متعالی و اصیل انتخاب نیروی کارآمد کمرنگ شده و برساخته‌های ذهنی تصمیم‌گیران و انتخاب‌کنندگان در حال جایگزینی با اصول بی‌ریشه و خودساخته و غیراصیل است، به عنوان یک مثال که در تمامی سالیان پس از انقلاب وجود داشته، توجه به روابط خانوادگی و روابط حزبی، فارغ از هرگونه سنجش دقیق در جذب به کلیت سیستم و متعاقب آن عدم توجه به شایستگی شایستگان است. این عمل به خودی خود یک آسیب کوتاه‌مدت برای سیستم خواهد داشت و یک آسیب بلندمدت: آسیب کوتاه‌مدتِ آن، دلسردی و ناامیدی جوانانِ بااستعداد بوده و باعث از دست دادن این سرمایه باارزش می‌شود؛ سرمایه‌ای که جبران آن تقریباً غیرممکن یا بسیار دشوار خواهد بود، آسیب بلندمدت آن، ناکارآمدی و بدکارکردی سیستم و ساختار است. در اینجا البته فرقی میان سازمان‌ها، نهادها یا وزارتخانه‌های مختلف وجود ندارد و همه در برابر این اصل انکارناپذیر یکسانند، خواه آنجا وزارتخانه مهم و کلیدی مثل وزارت امور خارجه باشد، خواه نهاد اثرگذاری مانند صداوسیما باشد و خواه این نهاد، ارتش و سپاه باشد. اگر امروز توجه نداشته باشیم و ورودی سیستم دقیق، شایسته‌محور و مبتنی بر تعهد و تخصص نباشد و اگر امروز بذر صحیحی کاشته نشود، نمی‌توان انتظار داشت فرداهای ۱۰ الی ۲۰ساله آینده محصول باکیفیتی نیز برداشت نمود و سیستم‌ها و ساختارهای کارآمد و مردم‌پسندی داشته باشیم.

برای جاافتادن و فهم عمیق این بحث و نشان دادن اهمیت و ضرورت آن، خصوصاً در کسانی که در آینده این کشور تأثیرگذارند و تصمیمات امروز آنان آینده یک ملت را رقم خواهد زد، حتماً به توضیحات بیشتری نیاز است، اما در این مقال بیش از این مجال نیست. نتیجه‌گیری آنکه باید حتماً به جوانان میدان داد و به آنان اعتماد کرد، به فرموده امام صادق(ع): «عَلَیکَ بِالأَحداثِ فَإِنَّهُم أسرَعُ إلی کُلِّ خَیرٍ»، جوانان را دریاب، زیرا آنان سریع‌تر به کارهای خیر روی می‌آورند. (کافی، جلد۸). اما باید توجه داشته باشیم که این جوانان، فقط از آشنایان و اقوام و فامیل‌های سببی و نسبی مسئولان نباشند و به معیارهای شایستگی و تعهد نیز نیم‌نگاهی داشته باشیم.

* دانشجوی دکترای مدیریت دولتی